

ادب‌الله

رفتارهای پر خطر نوجوانان در تأثیر پذیری از گروه‌های همسال



سردارعلیرضالطفی رئیس پلیس آگاهی پایتخت

دوران بلوغ و نوجوانی از حساس‌ترین و سر نوشت‌سازترین مراحل رشد هر فرد می‌باشد که در صورت عدم توجه والدین به فرزندان در این دوران می‌تواند تجربه‌های تلخ و غیرقابل جبرانی را به نوجوان تحمیل کند و مسیر زندگی وی را تغییر دهد. نوجوان در این دوران به اقتضای ویژگی‌های خاص بلوغ با تغییرات روانی و جسمی عمیقی روبه‌رو می‌شود و تمایلات و گرایشات خاصی را در وجود خود احساس می‌کند که در صورت عدم مدیریت این علایق و گرایشات توسط والدین بی‌تربید، شاهد بزهدیدگی یا بزهکاری نوجوان خواهیم بود.از جمله ویژگی‌های این دوران تأثیرپذیری عمیق از گروه همسالان است که عامل بسیاری از اعمال و رفتارهای بزهکارانه نوجوان از جمله استعمال مواد مخدر، سیگار و مشروبات الکلی و انواع سرقت‌های خرد می‌باشد و نوجوان صرف‌ااری دریافت تأیید گروه همسالان دست به این رفتارهای پرخطر می‌زند. نوجوان در این دوران بسیار علاقه‌مند به نسبت دادن خود به یکی از گروه‌ها و دسته‌ها است و در تلاش برای هویت‌یابی هر بار شیفته یکی از طبقات اجتماعی و گروه‌ها یا افراد خاص می‌شود.طرفداران یک باشگاه خاص، یک فرد یا عقیده خاصی… والدین در این دوران شاهد تغییر چهره و پوشش و رفتار فرزند خود هستند و از آنجایی که هنوز هویت نوجوان به درستی شکل نگرفته ممکن است وی را هر ماه به شکل‌های کاملاً متضاد با قبل مایل ببینند. برخی نوجوانان جذب مساجد، پایگاه‌های بسپج و گروه‌های ورزشی و هنری می‌شوند و شکل و ظاهر و پوشش و عقایدشان در راستای فضای فکری گروهی که نسبت به آن احساس تعلق و نزدیکی می‌کنند، تغییر می‌کند و دراین بین در صورت عدم جهت‌دهی درست به سر درگمی و سرگردانی هویتی فرزند شاهد عضویت این افراد در گروه‌های بزهکاری و مجرمین خواهیم بود که برای دریافت تأیید و تحسین سایر اعضای گروه دست به ارتکاب هر عمل پر خطری می‌زنند و به عشق همرنگی با افراد خلافکاری که به دلیل زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای اجتماعی به نظرشان قدر تمدن و بی‌پروا می‌آیند دست به تغییر شکل یا پوشش، مدل مو و خالکوبی آسانی و شکل‌های مختلفی برای بدن خود می‌زنند. متأسفانه گاهی اوقات با این حقیقت تلخ روبه‌رو می‌شویم که افراد خلافکار و بزهکار بیشتر از والدین، در مورد روانشناسی نوجوانان می‌دانند و به خوبی راه‌های جذب و سوءاستفاده از آنان را می‌شناسند و به همان اندازه که والدین ناآگاه فرزندان را از خانه و کانون گرم خانواده دور می‌کنند افراد خلافکار آنان را جذب دنیای تاریک بزهکاری می‌کنند و در صورتی که نوجوان زمینه و علائم و برخی اختلالات شخصیتی را نیز داشته باشد که توسط والدین نادیده می‌ماند تحت تأثیر همنشینی با مجرمین حرفه‌ای تبدیل به یکی از ارادل و اوباش و مجرمان به عادت می‌شود که در دور باطل ارتکاب جرم و زندان گرفتار می‌شود.

یکی از اشتباهات والدین در تربیت فرزندی که بحران بلوغ را پشت سر می‌گذارد، بی‌توجهی به فاصله سنی نوجوان با دوستانش است.هیچگاه نسبت به فاقث یک فرد ۳۰ساله با نوجوان خود خوشبین نباشید و مطمئن باشید انبوهی از آسیب‌ها و صدمات در انتظار فرزند شماست.

نسبت به علائم روانی که در سنین مختلف در رفتار فرزندان می‌بینید حساس باشید تا به موقع بتوانید نسبت به در مان نوجوان خود اقدام کنید. بسیاری از ارادل و اوباش بیماران دچار اختلالات شخصیتی هستند که به جای توجه والدین یا اولیاء، مدرسه به علائم و اختلالاتشان طرد و رها شده‌اند.اولین و بهترین دوست فرزندان باشد تا افراد بزرگسال سوچو فرصت و مجال نزدیکی به نوجوانان را پیداکنند.

هر گاه خود را در برخورد با رفتارهای ناهنجار نوجوان یا ارتباط دوستانه با وی تاتوان دیدید از یک مشاور و روانشناس کمک بخواهید.

در خواست قسط‌بندی در پرونده قتل مرد خیانتکار

مرد میانسانی که ۹ سال قبل به اتهام قتل یکی از دوستانش محاکمه و به پرداخت دبه محکوم شده بود، از قضات دادگاه درخواست کرد اقساطبندی دبه موافقت کنند.

به گزارش جوان، صبح دیروز بعد از اینکه قاضی زالی رئیس شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیمت جلسه را اعلام کرد، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و در قرائت کیفرخواست گفت: متهم حاضر در دادگاه مردی ۴۰ساله به نام رضا است. او سال ۹۰ به اتهام قتل یکی از دوستانش که سیواش نام داشت، بازداشت شد. رضا در زند بازجویی‌ها گفت: «من و سیواش سالها با هم دوست بودیم و رفت و آمد خانوادگی داشتیم. من متاهل بودم و در این رفت و آمدها متوجه شدم سیواش به همسر منظر دارد. این شد که با همسر من صحبت کردم اما او از ترس حرفی نمی‌زد تا اینکه متوجه شدم سیواش همسر را تهدید کرده و او را آزار می‌دهد. بعد از آن بود که تصمیم گرفتم او را به پهنای به حاشیه شهر کشاندم و در یک فرصت مناسب او را با ضربات چاقو به قتل رساندم. سپس جسدش را همانجا دفن کردم.»

نماینده دادستان در ادامه گفت: «با اقرارهای متهم، مأموران به محل دفن جسد رفتند و با کشف بقایای جسد، رضا روانه زندان شد. پرونده در حال تکمیل کشدن بود که خواهر و برادر مقتول به دلیل فوت پدر و مادرشان با اعلام گذشت از قصاص در خواست دبه را مطرح کردند.» نماینده دادستان گفت: «با گذشت ۹ سال از حادثه، متهم با نوشتن نامه‌ای در خواست قسط‌بندی دبه را مطرح کرده‌است. بنابراین از دادگاه محترم در خواست رسیدگی به پرونده را دارم.» سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «مقتول در حق من خیانت کرده بود به همین خاطر تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم. حالا ۱۰ سال است در زندانم اما توان پرداخت دبه را ندارم. این مدت همه تلاشم را کردم و از ۵ تا ۵ نفر از دوستان و آشنایانم مبلغ ۵۰ میلیون تومان پول قرض گرفتم تا انا به عنوان پیش پرداخت به اولیای دم ببردارم. حالا تقاضا دارم دادگاه با از ایدام متهم با نوشتن بتوانم کار کنم و ملتی دبه را به صورت اقساط بپردازم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

مردی که ۱۱سال قبل همسر سومش را به قتل رسانده بود، پای چوبه دار موقوف به جلس رسامیت اولیای دم شد.

به گزارش جوان، ساعت ۲۰:۳۰ شامگاه یازدهم دی سال ۸۸ بود که مردی با اداره پلیس شهرستان نظرآباد تماس گرفت و اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه که خانه ویلایی بود، رفتند و داخل پذیرایی با جسد زن ۳۲ساله‌ای به نام ماهبانو روبه‌رو شدند که با ضربات چاقو به بدنش به قتل رسیده بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول دقایقی قبل در درگیری با ششوه ۲۹ساله‌اش به نام طالب به قتل رسیده است و همچنین مشخص شد مقتول زن سوم قاتل است.

خواهر مقتول که شاهد ماجرا بود به مأموران گفت: تازه از شهرستان مشهد به نظرآباد رسیده بودم که تصمیم گرفتم ابتدا برادرم را ببینم و به همین خاطر راهی خانه‌اش شدم. وقتی در زدم برادرم در حالی که شسته و سراسیمه بود، در را روی من باز کرد و گفت با همسرش درگیر شده و او را با چاقو زخمی کرده‌است. بلافاصله به داخل اتاق رفتم که دیدم ماهبانو بر اثر شدت خونریزی فوت کرده است. برادرم خیلی ناراحت بود و داخل حیاط خانه‌اش نشسته بود که از او خواستم موضوع را به مأموران پلیس خبر دهد.

پس از ایمن مأموران پلیس طالب را به اتهام قتل عمد همسرش بازداشت کردند.

■ **اعتراف به قتل**

متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل همسر سومش اعتراف کرد و گفت: من سه‌زن دارم و مایه‌تو هم زن سوم بود که مدتی قبل با هم ازدواج کردیم. البته از زنان دیگرم فرزند دارم و مایه‌تو هم در جریان بود و با همین شرایط با من ازدواج کرد، اما پس از مدتی در زندگی زنان دیگرم دخالت می‌کرد و می‌گفت که با آنها رفت و آمد نکنم. وی ادامه داد: روز حادثه به دیدن دختر زن دومم رفتم و ساعت ۶:۳۰ عصر به خانه زن سومم برگشتم.

همان لحظه که وارد شدم ماهبانو با من مشاجره لفظی کرد و گفت چرادیر به خانه آمدم، وقتی به او گفتم که به دیدن فرزند زن دومم رفتم بده بودم من فحاشی کرد و گفت بدون اجازه او حق نداشتم به خانه همسران دیگرم بروم که همین موضوع باعث درگیری ما شد. ماهبانو به من گفت باید بین او و فرزندم یکی را انتخاب کنم و گرنه تلاقش را می‌گیرد. در حالی که با هم مشاجره لفظی می‌کردیم، همسر یک مشت به پهلویم زد و بعد به طرف حمام رفت که عصبانی شدم و به پیشانی‌اش رفتم و چند ضربه به همسرم زدم. ماهبانو غرق در خون روی زمین افتاد و فوت کرد و من

درخواست قصاص برای مرد اسیدپاش

مرد نوظافتچی که هشت سال

قبل هدف اسیدپاشی از سوی همکارش قرار گرفته بود بار دیگر درخواست قصاص را مطرح کرد.

به گزارش جوان، ۱۹فروردین سال ۹۱ مأموران پلیس از حادثه اسیدپاشی در یکی از ادارات در خیابان افریقا باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد در این حادثه نوظافتچی ساختمان که فرزین نام داشت ظرف حاوی اسید را روی یکی از همکارانش که نوید نام داشت پاشیده و بعد از اصابت چند ضربه چاقو از محل گریخته است. بعد از آن بود که نوید به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. هم‌زمان با مسداوای نوید تحقیقات برای دستگیری فرزین آغاز شد تا اینکه سه‌روز بعد از حادثه متهم در شهرتامن مرویان بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت: «من و نوید شش‌سال به عنوان نوظافتچی در اداره مشغول کار بودیم تا اینکه او زرده بالاتری مشغول کار شد. این گذشت تا اینکه در تعطیلات عید یک‌تفر به صورت تلفنی مزاحم شد به طوری که همسرم و پدرزمن به من بدبین شدند. وقتی پیگیر شد فهمیدم فرد مزاحم توید است. همین باعث کینه شد و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم.» متهم ادامه داد: «روز حادثه وقتی نوید را دیدم با چاقو به او حمله کردم و چند ضربه زدم. او هم طرف اسید را برداشت و به طرفم آمد، اما با

با به زیر ظرف لگد زدم و اسید خیلی اتفاقی روی صورت نوید پاشید.»

تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه مرد جوان در حالیکه به کما

رفته بود، بعد از چهارماه به هوش آمد. او که چشم راست، لاله گوش راست، بینی و لب فوقانی‌اش را ز دست داده بود و در سرش نیز به شدت آسیب دیده بود در طرح شکایتش گفت: «من و نوید در کار شماره تلفن همسر، پدر فرزین در اداره نوظافتچی بودیم. اما از وقتی به دانشگاه رفتم از مهمانان ویژه‌ای که به اداره‌مسان می‌آمدند پذیرایی می‌کردم و به کارهای فرزین پرداخته بودم. این کار نوید باعث شد همسرم از من طلاق بگیرد. به همین خاطر برای تلافی رویش اسید پاشیدم و با چاقو به جانش افتادم.»

بعد از دفاعیات متهم، وی به قصاص چشم و لاله گوش راست محکوم شد. پرونده بعد از تأیید رای در دیوان عالی کشور، سال ۹۵ به هیئت اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد اما حکم صادره اجرا شد.

با گذشت هشت‌سال از حادثه، متهم با نوشتن نامه‌ای مدعی شد که توان پرداخت دبه را ندارد. با این درخواست پرونده صبح دیروز در دیوان دیگر روی میز هیئت قضایی شعبه چهارم قرار گرفت. در آن جلسه شاکی در خواست قصاص کرد. در ادامه متهم خلاف اظهاراتش را اقرار به اسید پاشی در دفاع از خود گفت: «نوید بعد از برگزاری مراسمات

حجواد

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۴۳۵

قاتل همسر سوم پای چوبه دار بخشیده شد

هم به شدت پشیمانی شده‌بودم که به داخل حیاط خانه‌ام رفتم و گوشه‌ای نشستم. هنوز دقایقی نگذشته بود که خواهرم در خانه را زد و وقتی در را باز کردم و او با این صحنه روبه‌رو شد از من خواست با اداره پلیس تماس بگیرم.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی و بازسازی صحنه قتل در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. اولیای دم برای متهم در خواست قصاص دادند و هیئت قضایی هم طالب را به جرم قتل عمد همسر سومش به قصاص محکوم کرد. حکم دادگاه پس از تأیید در شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور برای تسیر مراحل قانونی اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد.

■ **بخشیدن زندگی دوباره به قاتل**

پس از ارسال پرونده قاتل به دادسرای جنایی اولیای دم برای اجرای حکم ناچار به پرداخت تفاضل دبه شدند که مهره ۵۰۰شکاهی مقتول را به اجرا گذاشتند و در نهایت با تهاوت مهریه و تفاضل دبه قاتل در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت. در حالی که متهم در انتظار چوبه دار روز ششماری می‌کرد، قاضی محمد شهر یاری، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران و رئیس هیئت صلح و سازش دادسرا جلسات متعددی را برای جلب رضایت اولیای دم در دادسرا برگزار کرد. در جلسات صلح سازش اولیای دم اعلام کردند در صورتی که قاتل ۵۰۰میلیون تومان دبه پرداخت کند، او را می‌بخشند، اما قاتل قادر به پرداخت این مبلغ دبه نبود که در نهایت چند روز قبل برای اجرای حکم در زندان رجایی شهر پای چوبه‌دار شد.

در حالی که طناب دار به گردن قاتل انداخته شده و نفس‌هایش به شماره افتاده بود، هیئت صلح و سازش دادسرای امورجنایی برای جلب رضایت از اولیای دم دوباره پای چوبه‌دار دست به کار شدند و در نهایت با میانجیگری هیئت صلح و سازش اولیای دم با گذشتن شرایطی قاتل را بخشیدند.

بدین ترتیب قاتل زن سوم از پای چوبه دار به زندگی دوباره بازگشت و به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری استان محاکمه می‌شود.



اجازه او حق نداشتم به خانه همسران دیگرم بروم که همین موضوع باعث درگیری ما شد. ماهبانو به من گفت باید بین او و فرزندم یکی را انتخاب کنم و گرنه تلاقش را می‌گیرد. در حالی که با هم مشاجره لفظی می‌کردیم، همسر یک مشت به پهلویم زد و بعد به طرف حمام رفت که عصبانی شدم و به پیشانی‌اش رفتم و چند ضربه به همسرم زدم. ماهبانو غرق در خون روی زمین افتاد و فوت کرد و من



سه‌سال است به شعبه اجرای احکام رفته‌ام که دلیل نامعلومی حکم اجرا نشده است. تا حالا ۹۹ عمل جراحی انجام داده‌ام و یک‌میلیارد تومان هزینه کرده‌ام. برای تأمین این هزینه‌ها یک خانه در شهر ی و خودروم دارا فروختم و همراه همسر و فرزندانم مستأجرم. چند میلیون تومان نیز از اقوام قرض گرفتم و حالا بدکارم. به همین خاطر با پرداخت دبه به صورت اقساط موافق نیستم و تقاضا دارم متهم هر چه زودتر قصاص شود تا درس عبرتی برای دیگران باشد.»

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «باور کنید توان پرداخت دبه به صورت یکجا را ندارم و از دادگاه در خواست تقسط دبه دیدم.» متهم تا حالا یک ریال از پول دبه پرداخت نکرده است. پرونده هم

سرقت از رفیق با چای مسموم

مختلف با هم حرف می‌زدیم تا اینکه امروز تماس گرفت و از من خواست به خانه‌اش بیهوش کرده و اموالش را سرقت کرده بود بازداشت شد و به جرم جشم اعتراف کرد. به گزارش جوان، ششم اسفندماه قبل مردی به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. لحظاتی بعد از اینکه چای تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش در محل حاضر شدند، شاکی در شرح ماجرا گفت: سه‌ماه قبل در پارک نیابوران با مردی جوان به نام امیر آشنا شدم. بعد از آن ارتباط دوستانه من و امیر ادامه پیدا کرد. ما بیشتر مواقع درباره سرمایه‌گذاری‌های

مرگ قاتل مادر بزرگ در بیمارستان

مرد معتاد که در جریان درگیری مادر بزرگش را به قتل رسانده و پدر بزرگش را زخمی کرده بود در بیمارستان فوت شد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۳۰ عصر پنج‌شنبه ۲۲خرداد امسال ساکنان ساختمان مسکونی حوالی خزانه‌با‌اداره پلیس تماس گرفتند و از درگیری خونینی در یکی از واحدهای ساختمان خبر دادند. با اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه راهی محل حادثه شدند و در طبقه دوم ساختمان مسکونی با جسد بی جان زن میانسانی روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد شوهر مقتول نیز در این حادثه به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است. لحظاتی بعد قاضی‌سماان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به محل به تحقیق پرداختند. یکی از همسایه‌ها به مأموران گفت: لحظاتی قبل صدای درگیری و فریادهای زوج میانسال را از خانه‌شان شنیدم و همراه دیگر همسایه به طبقه دوم رفتم که مرد جوانی در خانه مقتول را باز و به سرعت فرار کرد. وقتی وارد خانه شدیم با پیکر خونی و نیمه جان صاحبخانه و جسد خونین همسرش روبه‌رو شدیم و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.

در حالی که بررسی‌ها حکایت از این لذت‌ان جنایت‌بانگیزه سرقت رقم زده‌است، تیم جنایی برای شناسایی مرد فراری دوربین‌های مدار بسته نزدیک محل حادثه، ابررسی کردند که مشخص شد مرد جوان نوجوان صاحبخانه است. از سوی دیگر مأموران دریافتند متهم که معتاد به مواد مخدر است مدتی است به خاطر جنایی از همسرش کار تن خواب‌شده و در این مدت هم به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ نانتی‌اش رفت و آمد دلشاست. بدین ترتیب نوه ناخلف به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت مأموران پلیس ساعتی بعد از حادثه قاتل فراری را دستگیر کردند. از آنجایی که متهم هنگام دستگیری وضعیت جسمی و روانی بدی داشت به دستور قاضی غلامی برای درمان به بیمارستان منتقل شد تا بعد از بهبودی نسبی از وی درباره قتل مادر بزرگ نانتی‌اش تحقیق شود. در شرایطی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و متهم همچنان تحت درمان بود شامگاه پنج‌شنبه ۲۹خرداد پزشکان بیمارستان اعلام کردند وی روی تخت بیمارستان به کام مرگ رفته‌است. در حالی که نخستین معاینات پزشکی حکایت از آن دارد که متهم به خاطر سومصرف مواد فوت کرده‌است. قاضی غلامی دستور داد جسد قاتل برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ که پزشکی قانونی فرستاده شود. بدین ترتیب با اعلام مرگ قاتل پرونده قتل مادر بزرگ نانتی بدون مشخص شدن انگیزه قتل بسته شد.

پشیمانی از دعوای خونین با برادر

مردی که از دوسال قبل به اتهام قتل برادرش در بازداشت به سر می‌برد مدعی است از کاری که کرده پشیمان است.

به گزارش جوان، تابستان سال ۹۷ مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به رامبد ۳۵ساله بود که با ضربه چاقواز سوی برادرش زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات فوت کرده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و عامل قتل که رامین نام داشت بازداشت شد. او در همان بازجویی‌های اولیه به قتل برادرش اقرار کرد و گفت: «رامبد از من بزرگتر بود، اما بی‌بکل بود و در آمدی نداشتم. به همین خاطر به زور همه در آمدم را می‌گرفت. روز حادثه سر همین موضوع با هم درگیر شدیم و در آن درگیری ناخواسته دست به چاقو شدم و یک ضربه زدم.» با اقرارهای متهم او بعد از بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح بیروز متهم از زندان افرام شد

و مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت. بعد از اعلام رسیمت جلسه از آنجائیکه پدر و مادر مقتول هیچ شکایتی را مطرح نکرده بودند، معاون اول قوه قضائیه در خواست دبه کرد. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: «مدتی بود مشغول کار شدم، اما رامبد بی‌بکل بود. او از من بزرگتر بود به همین خاطر انتظار داشت در آمدم را به او بدهم. او زورش از من بیشتر بود به همین خاطر هر طور شده همه پول در آمدم را از من می‌گرفت و خرج خودش می‌کرد. از این موضوع خیلی ناراحت بودم به همین خاطر با پدرم تماس گرفتم و خواستم با رامبد صحبت کند. او مرا آرام کرد و خواست حرفی نزنم تا خودش با برادرم صحبت کند. مدتی گذشت اما رامبد دست بر نبود این شد که روز حادثه او دوباره سراغم آمد و در خواست پول کرد. عصبانی شدم و گفتم دیگر پولی ندارم و نمی‌خواهم در آمدم را به او بدهم. همین باعث درگیری شد و در آن درگیری کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقو یک ضربه به او زدم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید قصد کشتن برادرم را نداشتم. او ناراحت و عصبانی بودم اما راضی به مرگش نبودم. این اتفاق مرا افسرده کرده و خیلی پشیمانم»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

کشف جسد سوخته یک زن با گر دینند و دستبند طلا

مأموران پلیس تهران جسد سوخته زن ناشناسی را در حالی که گردن‌بند و دستبند طلا به همراه داشت حوالی بزرگراه شهید بابایی کشف کردند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۰:۱۰ صبح روز پنج‌شنبه ۲۹خردادماه امسال قاضی مصطفی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس از کشف جسد سوخته‌شدهٔ زنی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه زیر پل بزرگراه بابایی تقاطع بزرگراه باقری با جسد سوخته شده زنی حدوداً ۳۰ تا ۳۵ساله روبه‌رو شدند که پس از قتل به طرز مرموزی سوزانده شده بود. تیم جنایی در بررسی جسد سوخته‌شده در گردن و دست وی دو گر دینند و دستبند یک‌انگشتر طلا کشف کردند که مشخص شدن زن جوان در حالی که لباس خانگی به تن داشته به قتل رسیده و بعد جسد آن به این مکان منتقل و آتش زده شده‌است. راننده خودروی برابدی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: در این نزدیکی خودروام بنزین تمام کرد و کنار اتوبان خاموش شد. از آنجایی که طرفی برای گرفتن بنزین نداشتم به داخل این محوطه که زباله زیادی انباشته شده‌است، آمدم که طرفی پیدا کنم و از بنزین‌گام عبوری بنزین بگیرم. در حالی جست‌وجوی ظرف پلاستیکی بودم که با جسد سوخته‌شده این زن روبه‌رو شدم و بلافاصله به اداره پلیس موضوع را خبر دادم. در ادامه بررسی‌های محل حادثه مأموران پلیس در نزدیکی جسد و در میان زباله چهار عدد فشنگ جنگی و یک کلت کمری کشف شده کشف کردند که احتمال می‌رفت مقتول با همان کلت کمری به قتل رسیده باشد. مأموران پلیس در تلاشند با شناسایی قاتل یا قاتلان زن جوان زوایای پنهان این حادثه را بر ملا کنند.

آگهی مفقودی

سند کمپانی، برگ سبز، کارت ماشین و کارت سوخت خودرو سواری ارادی مدل ۱۳۸۲ به‌رنگ ششمی به شماره موتور ۱۳۹۲۵-۱۳۸۲۰۱ و شماره شاسی ۸۲۱۴۱۵۶۳ و شماره پلاک ایران ۹۶-۱۶۲ ج ۷۱ متعلق به خانم فاطمه نعیم آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. دامغان

آگهی مفقودی

برگ اعلام وضعیت (برگ سبز)، سند کمپانی، کارت و تمام اسناد خودرو سواری وانت پیکان مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۸۷- ۷۳۵ ج ۶۶ به شماره موتور ۴۰۴۵-۱۲۸۵ و شماره شاسی ۳۰۵۱۱۷۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز